



## حقایق درباره هدیه تهرانی که نمی دانستیم

### خوانندگی

#### راهکاری جالب برای آرامش رانندگان

رانندگان به واسطه انرژی مثبتی که توسط گل‌های بنفش ساطع می‌شود، با تنش‌ها و نواوری‌های تشکر کردند. در سطح شهر تردد می‌کنند. مسئولین شهرداری چنین به گزارش جام جم آنلاین از فارس، پارکینگ شزن که در چنین واقع شده است، از ۶ طبقه متفاوت و وسیع تشکیل شده که تعداد زیادی خودرو و اتوبوس را درون خود جای می‌دهد. این گل‌های بنفش ساطع جالب، این پارکینگ را سراسر با گل‌های بنفش آراسته کرده و ظاهری زیبا و آرامش بخش برای آن به وجود آورده است. رانندگان و رانندگان که با هدیه تهرانی در این پارکینگ می‌روند، آرامش بیشتری در سطح شهر رخ می‌دهد و مردم با اعصاب و روان آرام‌تر در سطح شهر تردد می‌کنند.



ماجرای هدیه تهرانی از این قرار بوده که آناهیتا همتی که با هدیه تهرانی در شهرک اکباتان همکلاس بوده برای تست بازیگری به دفتر مهرجویی می‌رود وقتی متوجه می‌شوند او متعلق به شهرک اکباتان است از او می‌پرسند که آیا در این شهرک دختری به اسم هدیه را می‌شناسد و او می‌گوید که سه نفر را به اسم هدیه می‌شناسد. در واقع این سه نفر که یکی از آنها هدیه تهرانی بود در مدرسه پشت یک میز می‌نشستند.

**نه هدیه تهرانی به مهرجویی!**  
 خلاصه هدیه تهرانی برای فیلم لیلاد دعوت می‌شود ولی چون به گفته خودش قصه فیلم را دوست نداشته است آن را قبول نمی‌کند. او درباره رد کردن فیلم مهرجویی بعدها در مصاحبه ای می‌گوید: البته آن موقع عقلم نمی‌رسید و شاید به خاطر اسم و اعتبار آقای مهرجویی باید قبول می‌کردم اما این مضمون که مردی می‌خواهد زن بگیرد چون همسرش نازاست برایم قابل هضم نبود.

**بودن یا نبودن یا زیر آب زدن!؟**  
 بعد از این برای فیلم بودن یا نبودن کیانوش عیاری دعوت می‌شود و کیانوش عیاری قصه را برای او تعریف کرده و تهرانی از قصه خوشش می‌آید و می‌پذیرد. کم کم قرارها جدی تر می‌شود و او شروع می‌کند به تمرین و تحقیق و صحبت با بیماران قلبی. تهرانی درباره منتفی شدن بازی اش در این فیلم گفته است: این پروسه تمرین و تحقیق دو سال طول کشید و من هم چون با فضا و شرایط سینمای ایران آشنایی نداشتم تا بدانم دوستان چه قدر به هم لطف دارند و چه طور زیر آب هم را می‌زنند، مدام می‌شستیم که این فیلم پروانه ساخت ندارد و به مرحله تولید نمی‌رسد و حتی یکی از دوستان نزدیک از آقای عیاری شنیده بود که ساخت این فیلم منتفی شده! در حالی

**درخشش هدیه تهرانی با قرمز**  
 فیلم قرمز که هدیه تهرانی در آن بازی کرده بود فیلمی بود که در ابتدا در فیلمنامه آن دیالوگهای شخصیت هستی با بقیه یکسان و یک لحن بود. در این خصوص هدیه تهرانی با فریدون جیرانی بحث می‌کرد که چون شخصیت هستی شخصیتی مدرن و امروزی است باید دیالوگها را عوض کرد و یا در خیلی جاها این نقش باید با سکوت اجرا شود و این اتفاق هم افتاد. مثلا در صحنه درگیری دادگاه، شخصیت هستی طبعاً و طبق فیلمنامه باید در واکنش به داد و بیداد کردن و سیلی زدن خواهر شوهرش او هم داد و بیداد می‌کرد و سیلی می‌زد اما هدیه تهرانی تصور کرده بود که اگر خودش جای آن زن بود هیچ گاه این کار را نمی‌کرد، تهرانی در این باره گفته است: تمام این پروسه در فیلمها یک جور کشف و شهود بود که هم خودم را کشف می‌کردم و هم دنیای اطرافم را بهتر می‌شناختم.

**ماجرا جویبی های هدیه تهرانی**  
 همانطور که هدیه تهرانی خودش هم اعتراف می‌کند یک ماجراجوست و همین حس کنجکاوی و ماجراجویی پای او را به خرابی های زلزله بم، بغداد، افغانستان و کردستان عراق می‌کشاند. او خودش در این باره گفته: هر جا ردی از ماجرا جویی و موقعیت و تجربه چیزهای بکر و تازه باشد خطر را با جان و دل می‌پذیرم و به دنبالش می‌روم. همیشه فکر می‌کنم که بهتر است بروم و ماجراها و اتفاقات مختلف را از نزدیک لمس کنم.

به گزارش جام جم آنلاین، هدیه تهرانی صحبت های جالبی درباره سال‌های فعالیتش در سینما انجام داده است. هدیه تهرانی جزء بازیگرانی است که سبک زندگی خاص خود را دارد. شاید دانستن ماجراهای جالبی درباره این بازیگر خالی از لطف نباشد.

**هدیه تهرانی بازیگری که هیچ وقت بی گیز بازیگری نبود**  
 آنطور که خودش در مصاحبه ای گفته هیچ وقت به صورت جدی و عاشقانه بی گیز بازیگری نبوده است ولی به هر حال برایش جذابیت داشته است. جذابیتی که دنیای نمایش به هر شکلش برای همه دارد. پدر هدیه تهرانی به گفته خودش خیلی فیلم می‌دیده و همیشه او را هم با خودش به سینما می‌برده است. در ضمن پدرش جسته گریخته کار تئاتر هم می‌کرده است. جالب است بدانید مادر بزرگ او در سی سالگی در یک فیلم هم بازی کرده است. اولین بار که قرار بود بازیگری را شروع کرده و بازی در سلطان را قبول کند با پدرش مشورت می‌کند و در مجموع پدرش نه خیلی موافق بود و نه خیلی مخالف و مثل همیشه تصمیم نهایی را به خودش واگذار می‌کند.

تهرانی درباره حضور در سینما و در گفت و گویی گفته است: خیلی برایم پیش می‌آمد که دست اندرکاران سینما برای بازی در فیلمی دعوت می‌کردند. چند تا از آشناها و بستگان ما مثل ناصر تقوایی و اکبر عالی هم گاهی چنین پیشنهادهایی می‌کردند و این قضیه چندانی برام نا آشنا نبود.

**هدیه تهرانی در جای تلخ تقوایی**  
 اولین بار که به طور جدی به بازی در یک فیلم فکر کردم بیست سالم بود و آقای تقوایی قرار بود جای تلخ را بسازد اما فیلم به سرانجام نرسید. این درست موقعی بود که قصد داشتم به آلمان بروم و در رشته دکوراسیون داخلی ادامه تحصیل بدهم.



**زمانی برای دوست نداشتن سینمای ایران**  
 اما می‌گذرد و یک روز در یک فروشگاه محمد رضا شریفی نیا و آریتا حاجیان از هدیه تهرانی می‌پرسند به بازیگری علاقه دارد و او در جواب می‌گوید نه. چون در آن زمان سینمای ایران را زیاد دوست نداشتم و بازیگری هم طبعاً جذابیتی چندانی برایش نداشتم. اما بالاخره با پی گیری شریفی نیا و حاجیان او برای فیلم روز واقعه به دفتر هدایت فیلم دعوت می‌شود. نقش کوتاه راحله را که به او پیشنهاد داده بودند از نظر خودش نقش خیلی کوتاهی بود که کار خاصی غیر از گفتن چند تا بله و خیر نمی‌کند و بیشتر یک تیپ ساده است تا شخصیت و به همین خاطر جواب منفی می‌دهد. او به گفته خودش می‌دانست که قدم گذاشتن در این دنیا ممکن است تمام زندگی اش را تحت الشعاع قرار دهد؛ پس اولین نقش باید ارزش این ریسک را می‌داشت.

**هدیه تهرانی در اغما**  
 هدیه تهرانی پس از این ماجرا قصد سفر به آلمان را دارد که پیش از این سفر تصادف شدیدی می‌کند و به اغما می‌رود و حدود شش ماه در بیمارستان بستری می‌شود.

**سه هدیه روی یک نیکمک**  
 بعد از ماجرای دعوت مهرجویی از او برای فیلم جدیدش به وجود می‌آید.

### از نگاه دوربین



عکاس: داود کشاورز

### گفت و گویی متفاوت با امیرحسین مدرس و همسرش؛

## بازیگری که آبگوشت خوب می‌پزد

بهارمست هم در این گفت و گو می‌گوید که چند ماه اول زندگی‌شان با امیرحسین مدرس خیلی سخت گذشته است، او توضیح می‌دهد: اول سخت بود. کسانی که با آنها ارتباط داشتم دوستانم بودند و زندگی با آنها نداشتم که بخوام چیزهایی را از نزدیک ببینم. به همین دلیل چهار پنج ماه اول خیلی برایم سخت بود. خود امیرحسین خیلی به من کمک کرد که با سختی‌های کارش آشنا شوم.

همسر مدرس ادامه می‌دهد: من به او اعتماد داشتم ولی در بسیاری زمینه‌ها چون آدم نمی‌دانم، ممکن است مشکل پیش بیاید مثلا یک فیلمبرداری می‌رفت ۱۲ ساعت طول می‌کشید. با یکی از بچه‌ها صحبت می‌کردم و می‌گفتم ۱۲ ساعت، می‌گفتند مگر می‌شود؟ گفتم ممکن است وقت کم هم بیاید. من خیلی این چیزها را ندیده بودم ولی وقتی از نزدیک رفتم دیدم و با سختی کار آشنا شدم، بهتر با این موضوع کنار آمدم.

بهارمست در پاسخ به این پرسش که تا به حال به آقای مدرس گفتید که دیگر نمی‌خواهید اجرا کنید، هم این گونه توضیح می‌دهد: نه، حرفه او بازیگری و اجراتس پس نمی‌توانم این حرف را بزنم چون

امیرحسین مدرس، مجری تلویزیون و بازیگر همراه با همسر دومش بهار بهارمست، گفت و گویی را انجام داده است، او و همسرش در این گفت و گو درباره بسیاری از مسائل شخصی زندگی‌شان خیلی راحت سخن گفته‌اند.



# همراه با کاروان اربعین حسینی

در نمایندگی‌های منتخب با مشارکت ناوگان گسترده امداد خودرو ایران در نقاط مرزی

از ۲۶ آبان تا ۳ آذر ۱۳۹۵

خدمات پس از فروش ایران خودرو

جهت آگاهی از جزئیات و لیست نمایندگی‌های طرح به سایت [www.isaco.ir](http://www.isaco.ir) مراجعه نمایید.

تأمین قطعات | تضمین خدمات

۲۲۸۶۲/۲